



گفتگوی مجله تصویری تبلیغ  
با حجت الاسلام علیرضا پناهیان

# «انتخابات امر دینی یا غیر دینی؟!»

سلسله نشست‌های دعوت  
فصل اول: حضور (ویژه نامه انتخابات)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مركز تخصصی تبلیغ و ترویج



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید



**مجله تصویری تبلیغ**  
**سلسله نشست‌های دعوت**  
**فصل اول : حضور**



## فهرست

- ۵ بخش اول: پیشینه انتخابات غربی یا دینی؟!  
۷ بخش دوم: مبانی دینی انتخابات  
۱۰ بخش سوم: ابعاد معنوی انتخابات  
۱۱ بخش چهارم: رابطه ظهور با انتخابات  
۱۲ بخش پنجم: دین زدایی از انتخابات توسط برخی از جریان‌های فکری سیاسی  
۱۳ بخش ششم: ابعاد تکلیفی انتخابات  
۱۴ بخش هفتم: کوتاهی‌های نهادهای حوزوی و دینی در تبیین ابعاد سیاسی دین  
۱۶ بخش هشتم: اهتمام اولیای خدا به مشارکت مردم در اداره امور

## « بخش اول: پیشینه انتخابات غربی یا دینی؟! »

آیا انتخابات یک امر دینی محسوب می‌شود یا اینکه متجددین در جامعه اسلامی انتخابات را وارد کردند و بنابر مصالحی مؤمنین هم به آن مبادرت کردند یا در قانون اساسی ما به دلایل گوناگون آمده یکی از دلایل آن شاید برای هم‌رنگی با جامعه جهانی باشد.

اگر انتخابات یک امر دینی نباشد ما باید به انتخابات در کشورهای دیگر نگاه کنیم، ببینیم که نتایج آن انتخابات به کجا رسیده است؟ طبیعتاً نتیجه برگزاری انتخابات در جامعه ما هم کم و بیش به همان نقطه خواهد رسید.

انتخابات در کشورهای دیگر به حاکمیت کارت‌ها و تراست‌ها، به حاکمیت لابی صهیونیزم، به حاکمیت طبقه سرمایه‌داران زالوصفت منجر شده و منجر به این همه جنایت در جهان شده است به حدی که



علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر المیزان ذیل آیه دویمت سوره آل عمران می فرماید: «دموکراسی از دیکتاتوری بدتر هست.» (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۹۴) یعنی جنایت‌هایی که دموکراسی در حق بشریت انجام داده از از روش دیکتاتورها بیشتر بوده است.

در دیکتاتوری آدم می‌فهمد با چه کسی طرف است، ولی در جریان دموکراسی لابی‌ها و دست‌های پشت پرده دخالت‌هایی می‌کنند که یقنه هیچ‌کسی را نمی‌توان گرفت. قدرت‌ها می‌آیند مردم را بازی می‌دهند و به بهانه رأی مردم بر مردم مسلط می‌شوند. مردم در مغرب‌زمین هم خودشان متوجه این معنا شده‌اند.

بنابراین اگر انتخابات یک امر دینی نیست و یک امری است شبیه آنچه که در غرب پیش آمده پس هیچ حُسن آنچنان در انتخابات به روش غرب دیده نمی‌شود، که ما عقلاً یا از سر فوائد و ضرورت‌های اجتماعی به سمتش برویم.

نه در میان مردم با انگیزه صحیحی همراه بوده، نه در میان کسانی که کاندیدا شدند و آنها بیشتر عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی سرمایه‌داران بودند، نه احزاب که با قصد و غرض سالمی انتخابات را اداره کردند.

براین اساس ما اصلاً انتخابات به سبک غربی، بر اساس روش و مبانی غربی را قبول نداریم و نمی‌تواند برای جامعه ما مفید باشد و حتی ضرر هم دارد.

اما اگر انتخابات یک امر دینی باشد، طبیعتاً انگیزه شرکت‌کنندگان، انتخاب‌شوندگان، روش حضور در انتخابات، همه اینها باید مؤدی به آداب اسلامی باشد و طبیعتاً از مبانی خاص دینی هم برخوردار خواهد بود. اگرچه ما صورت‌بندی انتخابات را از غرب گرفته‌ایم. البته ممکن



است در آینده هم این صورت بندی انتخابات بنابر برخی از تصریحات رهبری، ممکن است تغییر پیدا کند. ولی انتخابات مبانی دینی بسیار قوی و محکمی دارد؛ و الا ما به آن تن نمی دادیم. ما میراث داران شیخ فضل الله نوری رحمته الله علیه هستیم که برای مخالفت با انتخابات به سبک انگلیسی به دار شد. ما میراث داران شهیدان و عالمان وارسته هستیم که یکی پس از دیگری به شهادت رساندند که چرا شما با داشتن مجلس شورای ملی مخالفت می کنید؟

این انتخاباتی که در قانون اساسی ما می بینیم، این انتخاباتی که حضرت امام رحمته الله علیه و رهبری دو فقیه باهوش، عاقل و حکیم توصیه می کنند، این انتخابات یک امری است که مبانی دینی بسیار قوی و محکمی دارد.

## « بخش دوم: مبانی دینی انتخابات »

حالا مبانی دینی انتخابات چیست؟ ما می دانیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردم خواست تا او را یاری و نصرت کنند. بدون کمک مردم نمی توانست کار را پیش ببرد. این نصرت خواهی از مردم فقط در آغاز بعثت هم نبود، در ادامه هم بدون کمک مردم بلکه بالاتر بدون مشارکت مردم امکان نداشت کار پیش رود. نه اینکه پیامبر فرمان دهد دیگران اطاعت کنند، بلکه آنان مأمور بودند حتی به پیامبر مشورت دهند و در اداره امور مشارکت پیدا کنند. نصرت به این معناست. براین اساس معنای نصرت صرف اطاعت نیست بلکه در آن مشارکت و بصیرت هم است. یعنی جایی که از طرف ولی خدا دستوری نیامده خود او بفهمد که چه باید کند. جایی که ولی خدا نظارتی ندارد خود او بداند و انگیزه داشته باشد که چه باید کند. فرمود: «لِيَتَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ» (حدید، ۲۵) یعنی مردم



باید در جایی که پیغمبر هم حضور ندارد، بدانند چگونه نصرت دهند. این نصرت یک معنای بسیار گسترده و عمیقی دارد. این نصرت واقعاً پای مردم نوشته می‌شود، گاهی از اوقات فرمود: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي» (کفایه الاثر، ص ۱۹۹) امام در خانه می‌نشیند مردم باید تشخیص بدهند الآن موقع قیام است، الآن موقع حضور در محضر امام هست، الآن موقع این است که ما نصرتمان را به امام عرضه بداریم، و البته در این میان فرامینی هم می‌رسد.

پس اصل نصرت که یک اصل جامعی است که فقط در آن اطاعت نیست، بصیرت و جمعیت و اقدام برای نصرت ولی خدا حتی بالغیب وجود دارد، اینها ابعاد معنای عمیق نصرت را نشان می‌دهند. این مفهوم نصرت را، آیه «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) یعنی مردم خود باید برای قسط قیام کنند نشان می‌دهد. همچنین از مفهوم امر به معروف و نهی از منکر می‌توان ولایت عرضی بین مومنین را استفاده کرد، فرمود: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، ۷۱) دلایل متعدد و فراوانی است که نشان می‌دهد انتخابات یعنی تشریک مساعی برای نصیحت للمسلمین، برای نصرت مؤمنین و امام مؤمنین. تشریک مساعی برای امتحان بصیرت مردم، براین اساس انتخابات در حساس‌ترین مفاهیم دینی قرار دارد.

البته آموزش‌های دینی ما به شدت با آن وضعیت مطلوب فاصله دارند. مردم الآن مفهوم امامت و ولایت را می‌شنوند، اولین مفهوم دیگری که به ذهن‌شان متبادر می‌شود مفهوم اطاعت است. درحالی که کنار امام اطاعت کافی نیست؛ بصیرت چه بسا مهم‌تر از اطاعت باشد. کنار امام نصرت هم خیلی مهم است با وسعت معنایی که ذکر کردیم. آموزش‌های



دینی ما طوری است که انتظاری که خوارج از امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشتند آن انتظار را در میان مردم ایجاد می‌کند! خوارج از امیرالمؤمنین علی علیه السلام انتظار داشتند مشکلات را با دیکتاتوری حل کند. می‌گفتند ما خلیفه‌ای مانند خلیفه دوم می‌خواهیم. الآن هم خیلی‌ها که ولایتمدار هستند یا حداقل مخالفتی با ولایت ندارند آنها هم همین انتظار را دارند. درحالی‌که آن «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ» (نهج البلاغه، خطبه ۳) فقط در آغاز ماجرا نیست، در ادامه هم باز نیاز به مشارکت مردم بود. در نمونه‌ای مثل غارات ما دیدیم مردم آن همت لازم را نداشتند و چگونه امیرالمؤمنین علی علیه السلام کار حکومت‌شان به غربت کشیده شد.

ما در طول این چهل سال، مبانی عمیق، حساس و فوق‌العاده مهم دینی امر انتخابات را توضیح ندادیم. و مردم خیلی از مذهبی‌ها حداقل از خدا می‌ترسند، ولی رابطه‌ای بین انتخابات و دینداری‌شان برقرار نمی‌کنند.

روایتی که شهید سید محمدباقر صدر نابغه فقه و معارف دینی از آن برای توضیح تشکل‌های گسترده مردمی استفاده می‌کنند. «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (جامع الاخبار، ص ۱۱۹) وقتی که این روایت را بیاوریم می‌بینیم ما در اداره جامعه مسئولیت داریم حتی اگر افرادی را که ما انتخاب کنیم، این افراد خوب عمل نکنند؛ مسئولیتی که بر دوش ما است، از ما سلب نمی‌شود. باید دوباره برویم افراد دیگری که بهترند را انتخاب کنیم. باید دوباره نظارت‌مان را بر آن افراد بیشتر کنیم. مطالبه‌گری‌مان را افزایش دهیم. جدا از اینکه بسیاری از امور اساساً نباید به دست دولتمردان و منتخبین انجام بگیرد بلکه باید به دست خود مردم صورت بگیرد. مثلاً ما یک کسی را انتخاب کنیم وکیل ما باشد



درست عمل نکند، ما با وکالت قهر می‌کنیم؟ نه، دوباره یک وکیل دیگر انتخاب می‌کنیم. اصلاً مسئولیت برداشته شدن نیست.

شهید صدر می‌فرماید آزادی، انتخابات هم به همین طوری است. ایشان در مورد آزادی صریحاً این مطلب را در کتاب «الإسلام يقودُ الحياة» بیان می‌فرمایند. آزادی در غرب یک حق است، اما در اسلام هم حق است هم تکلیف. شما مکلف هستید از آزادی خودتان صیانت کنید و یکی از راه‌های صیانت از آزادی، همین انتخابات است. افراد وابسته به غرب انتخاب بشوند، چه می‌شود؟ کشور استقلال و آزادی خودش را از دست می‌دهد. مؤمنین تحت سیطره کفار در می‌آیند. همین مسئله‌ای که در قرآن تصریح شده سلطه کفار بر مؤمنین جایز نیست (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً) (نساء، ۱۴۱)؛ مبنای برخی از مواد قانون اساسی هم قرار گرفته است. حتی در قانون اساسی تصریح شده برخی از بدهی‌های خارجی ممنوع است، چون موجب سلطه کفار می‌شود.

### « بخش سوم: ابعاد معنوی انتخابات »

اینها همه مبانی انتخابات هستند. مبانی انتخابات در معارف و احکام دینی، به یکی دو موضوع محدود نمی‌شود. و بعد پاداش این کار چیست؟ وقتی انسان به یک فقیر کمک کند چقدر پاداش دارد حالا یک وقتی انسان یک حرکت سیاسی انجام دهد برای ریشه‌کن کردن فقر، چقدر برای او حسنه نوشته می‌شود؟ معلوم است که خدا دستگاه محاسباتی دقیقی دارد.

به یک مؤمن، مشکلی دارد، بی‌اعتنایی کنید. خدا چگونه مجازات می‌کند؟ حالا جامعه اسلامی در امر انتخابات مورد توجه قرار نگیرد و بعد لطمه بخورد حتی به اندازه یک رأی که انسان کم بگذارد، چقدر مجازات



دارد؟ اینها حرف‌های بسیار معلومی است. منتها با اندک تأملی به دست می‌آید.

متأسفانه این مبانی دینی و ابعاد معنوی انتخابات توضیح داده نشده است و خیلی از مردم اینها را نمی‌دانند. حتی در مسئله انتخاب فرد که من به چه کسی رأی بدهم؟ مگر دلبخواهی است؟ اگر اعلم از او باشد، اگر اتقی از او باشد، اگر توانمندتر از او باشد. آیا این رأی دادن بغیر اتقی و اعلم و توانمند تر، حرمت شرعی ندارد؟ آدم مسئول نیست؟ مُعاقَب قرار نمی‌گیرد؟ من چون از فلانی خوشم می‌آید پس به او رأی می‌دهم. در رأی‌گیری خوشایندها بکار می‌آید؟ مسلم است که نه.

### « بخش چهارم: رابطه ظهور با انتخابات »

انتخابات به عنوان یک امر مقدمه‌ساز برای ظهور مورد تمسخر بعضی‌ها قرار می‌گیرد. می‌گویند امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ را با مسائل سیاسی جامعه گره نزنید. اصلاً امام زمان (ارواح‌نااله‌الفداء) برای یک امر سیاسی می‌آیند. برای «لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الدِّينِ كَلِّه» (توبه، ۳۳) و این یک امر سیاسی است، برای حکومت می‌آیند، برای نماز نمی‌آیند! مثلاً نماز بخوانند؛ اما به حکومت‌ها کاری نداشته باشند. بعد حکومت آقا امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ که خلاف قرآن نیست. اگر خلاف قرآن نباشد در حکومت حضرت ولی عصر هم مانند سیره نبوی، نصرت ولی خدا لازم است. آیا ما برای حکومت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ آماده هستیم؟ معلوم است که نه، چون میزان مشارکت مان پایین است. در همه شئون، یک نمونه‌اش انتخابات است.

ما باید تصور کنیم جامعه مهدی چگونه جامعه‌ای است؟ باید این را خوب بشناسیم و به آن توجه کنیم. در جامعه مهدی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (جامع الاخبار، ص ۱۱۹) آیا از بین می‌رود؟ نه. پس



ایده‌آلش این است که حکومت حضرت با مشارکت مردم در اداره امور جامعه اداره شود. ما هر موقع توانمندی مردم را در مشارکت، در موضوعی مثل انتخابات که یک نمونه برجسته است برای اداره امور بالا ببریم، مسلماً به سوی ظهور حرکت کردیم نه خلاف آن. با اندک تأملی می‌شود اینها را فهمید؛ ولی باید تولید ادبیات بشود، تولید درس بشود.

## « بخش پنجم: دین زدایی از انتخابات توسط برخی از جریانات فکری سیاسی

حدود شاید سی سال است در این کشور نغمه‌های شومی سعی دارند تا به بُعد دینی انتخابات توجه نشود. می‌گفتند: «چرا می‌گویید انتخابات تکلیف است؟ بگویید حق» برای چه این حرف را می‌زدند؟ برای اینکه انتخابات را از انگیزه دینی خالی کنند.

از انگیزه دینی خالی کردی انتخابات، اولاً موجب کاهش مشارکت می‌شود، ثانیاً می‌توان مشارکت‌کنندگان را بازی داد. اما اگر پای دین وسط بود، دیگر شما نمی‌توانی هر کسی را انتخاب کنی. صهیونیست‌ها کمتر می‌توانند در یک انتخابات لابی و نفوذ کنند.

لذا یک جریان فکری وابسته‌ای دائماً بر طبل حق بودن انتخابات نه تکلیفی بودن آن می‌کوبیدند. فکر می‌کنند اگر تکلیف باشد ما انسان را تحقیر کردیم. نه! تکلیف علامت خطیر بودن موضوع است. علامت اهمیت موضوع است که مبادا انگیزه‌ها کاهش پیدا کند. ما می‌دانیم یک عده کثیری انتخابات را صرفاً می‌خواستند به عنوان یک حق تلقی کنند نه به عنوان یک امر تکلیفی.

## « بخش ششم: ابعاد تکلیفی انتخابات »

حالا تبلیغات برای انتخابات چقدر تکلیف است؟ اینکه فرمود: «إِنَّ الدِّينَ النَّصِيحَةَ» (روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۲۴) سه مرتبه تکرار کرد دین حقیقتش در یک کلمه به نام نصیحت خلاصه می‌شود. نصیحت یعنی دلسوزی. نصیحت یعنی حساس بودن. حضرت زهرا (علیها السلام) چهار روز در خانه این و آن را زدند درحالیکه یقین داشتند هیچ‌کدام از اینها جواب او را نخواهند داد، ولی تکلیف‌شان را عمل کردند.

ما امروزه اگر در خانه‌ها را بزنیم و دلسوزی کنیم و تکلیف‌مان را انجام بدهیم حتماً پاسخ خواهیم گرفت. فضا مثل فضای مدینه زمان زهرا (علیها السلام) نیست. ولی اصلاً می‌رویم هیئت می‌آییم سینه‌زنی می‌کنیم یکبار هم فکر نمی‌کنیم که یک مقدار در عمل اجتماعی شباهت با حضرت زهرا (علیها السلام) پیدا کنیم! در امر تبلیغات انتخابات، در امر کاندیدا شدن. اینقدر دین‌زدایی کردیم از انتخابات، هر کسی بلند می‌شود می‌رود خودش را کاندیدا می‌کند در حالی که از نظر آداب اسلامی صحیح نیست! ملعون است کسی خودش را برای قدرت کاندیدا کند. (مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَسَ مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهَا مَلْعُونٌ كُلٌّ مَنْ حَدَّثَ بِهَا نَفْسَهُ) (کافی، ج ۲، ص ۲۹۸) مگر اینکه دیگران به او گفته باشند. به یک دلیلی به تکلیف رسیده باشد. مراجع بزرگ ما چقدر از مسئولیت مرجعیت فرار می‌کردند. خب وقتی که انتخابات از دین خالی شد، هر کسی می‌آید انگیزه‌های باطل پیدا می‌شود، روش‌های رقابت سخت و سرد و غلط رواج پیدا می‌کند و موجب دوباره غربت بیشتر خود انتخابات و تضعیف نظام می‌شود. امر تبلیغات برای انتخابات، تبلیغ برای افراد، تا گرفته تبلیغ برای اصل شرکت در انتخابات یک امر دینی است. حالا اگر این کار را انجام ندهیم

چه اتفاقی می افتد؟ حق را دچار خذلان کردیم. ما جزء خاذلین خواهیم بود. و خاذلین در کنار قاتلین همیشه مطرود و ملعون بوده‌اند. کسانی که امام‌شان را نصرت نمی‌کنند.

نصرت امام زمان علیه السلام امروز به چیست؟ به قدرت بخشیدن به جامعه اسلامی. قدرت جامعه اسلامی در چیست؟ قدرت این نظام در چیست؟ باید برویم از حضرت آیت الله العظمی سیستانی بپرسیم که وقتی که تأکید می‌کنند بر حفظ رهبری چه عبارتهایی به کار می‌برند. نظام جمهوری اسلامی نباشد چه جوری مستضعفین منطقه اقتدا کنند، اَتکا کنند؟ البته به خدا اَتکا دارند ولی بالاخره ما برادران دینی قوی‌ای هستیم که در این عرصه می‌توانیم اثر بگذاریم.

## « بخش هفتم: کوتاهی نهادهای حوزوی و دینی در تبیین ابعاد سیاسی دین »

متأسفانه یک مقدار ما در حوزه‌های علمیه به مباحث نظری بدون ذکر مصادیق، بدون آوردن این مسائل نظری به میدان عمل، گرفتار آن مسائل نظری شدیم. رهبری علیه السلام عزیز حدود شاید سه سال پیش بعد از محرم، با مجلس خبرگان رهبری دیداری داشتند به آنها فرمودند، فرمودند امام مفاهیم دینی را آوردند وسط صحنه، این مفاهیم را و عملیاتی کردند و ما باید امروز این کار را بکنیم. و بعد مثال زدند مفاهیم دینی که باید بیاید تو جامعه با آنها زندگی شود. اولین نمونه و مثال را هم موااسات ذکر کردند. اینها مسائلی است که ما باید خیلی به آن اهتمام بورزیم. متأسفانه خیلی‌ها در سیاست زدایی از مساجد ما، از تعلیمات دینی ما، کاملاً موفق بوده‌اند.

ما وقتی که می‌آییم برای اداره امور کشور فکر کنیم، به زندگی جمعی

می‌رسیم. آن زندگی جمعی مواساتی است که موجب شکل‌گیری تعاونی‌ها خواهد شد. چرا ما تعلیمات دینی‌مان اینقدر مصداقی کار نکرده‌ایم که مردم بفهمند تعاون بر امور اجتماعی همان تعاون بر برّ و تقوا است؟ تعاون بر برّ حتی مقدم بر تعاون بر تقواست.

خیلی عجیب است که مساجد محلّ تجمع هستند. اما محل گفتگو کردن مؤمنان با یکدیگر نیستند؟ محلّ تجمع و ارتباط نگرفتن مؤمنان با یکدیگر؟ مگر امکان دارد؟! امام صادق علیه السلام فرمود مانند چهارپایان نباشید کنار هم چرا می‌کنند ولی با هم ارتباط نمی‌گیرند. (إِنَّ بُعْدَ ائْتِلافِ قُلُوبِ الْفَجَّارِ إِذَا اتَّقَوْا وَ إِنَّ أَظْهَرُوا التَّوَدُّدَ بِالسِّنْتِهِمْ كِبُعْدِ الْبَهَائِمِ مِنَ التَّعَاطُفِ وَ إِنَّ طَالَ اِغْتِلافُهَا عَلَی مَذُودٍ وَاحِدٍ). (تحف العقول، ص ۳۷۳) ما اگر در مسجد با هم ارتباط نگیریم، تبادل نظر نکنیم، مصداق حدیث شریف خواهیم بود.

وقتی که ما مسجد را یک پایگاه گفتگو برای حلّ مسائل اجتماعی قرار دهیم، مسائل انتخابات هم در مساجد رونق می‌گیرند، و مشکل عدم مشارکت حل می‌شود. منتها ما با اینکه سالن‌هایی داریم به نام مسجد روزی سه مرتبه هم مستحب موکد است برویم؛ بعد دنبال سالن برای اجتماعات و اعتراضات به حقّ مردم می‌گردیم. پس مسجد چه کاربردی دارد؟ این نوع نگاه حداقلی به مسجد، به خاطر این است که از دین سیاست‌زدایی شده است.

بعدها این ترس و نگرانی وجود دارد که همین آدم‌های غیر سیاسی یا غلط‌فهم از سیاست، یا دشمن سیاست ناب اسلامی، به بهانه اولیاء خدا، به بهانه قرآن کریم بیابند ریشه دین را بزنند. کما اینکه خوارج همین کار را کردند. به اسم دین، خلاف دین حرف نمی‌زدند. البته برداشت‌شان

ناقص بود. مثل خیلی‌ها که امروز برداشت‌شان از دین و مسجد ناقص است و مسجد را سیاسی نمی‌کنند.

خلاصه اینکه امر دینی بودن انتخابات یک امر بسیار بدیهی است. مهدوی بودن انتخابات بسیار بدیهی‌تر. ولی باید برای اینها تولید ادبیات بشود. تا به تولید ادبیات نرسیم نمی‌توانیم. و اینها باید ریز ریز در گوش مردم، سینه به سینه در مساجد گفته شود. حتی اینکار گاهی اوقات کار مبلغینی که کارهای عمومی انجام می‌دهند هم نیست. ممکن است گفتگو عمومی نه چهره به چهره درباره این موضوع بازتاب منفی داشته باشد. نمی‌گوییم مبلغینی که کار عمومی انجام می‌دهند حرف سیاسی نزنند. ولی این همه عالم دینی در مساجد که ارتباط چهره به چهره با مؤمنین دارند! این مسائل منتقل نشده باشد؟ امام محترم جماعت واحدهای درسی خیلی زیادی از جمله همین مسائل را می‌تواند در مسجد به مأمومین خودش ارائه دهد.

## « بخش هشتم: اهتمام اولیای خدا به مشارکت مردم در ادارهٔ امور

آخرین کلام من این باشد که اولیاء خدا چقدر به مشارکت مردم در ادارهٔ امور اهمیت می‌دادند؟ به اندازهٔ خون حضرت زهرا علیها السلام. اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواست می‌توانست با یک باند و گروهی بچه‌های خودش را حفظ کند. ولی گذاشت مردم به این تشخیص برسند، مردم به نصرت بیایند، مردم بفهمند که چه باید کرد! و می‌دانست که مردم ممکن است نفهمند، نیایند جلو، دفاع نکنند، حمایت نکنند. خب، با اینکه می‌دانست دست برداشت. انگار اصل مشارکت مردم! امر ناموسی دین است در زندگی اولیاء خدا ما زیاد می‌بینیم مثلاً به پیامبر گفتند که شما اُدُن



هستی یعنی به حرف دیگران و مردم زیاد گوش می دهی، در زندگی امیرالمؤمنین، گفتند تو مدیریت نداری. در زندگی امام حسن مجتبی علیه السلام یا مُذَلِّ المؤمنین گفتند. در زندگی امام حسین علیه السلام به ایشان می گفتند تندرو هستند! ما می بینیم که ائمه هدی علیهم السلام همه مورد مذمت قرار می گیرند توسط افرادی که ماهیت سیاسی دین و نقش مردم و مشارکت آنان را درک نمی کنند.

چرا وقتی چهار نفر کنار خانه کعبه قرار می گذارند که حکومت دست اهلش نیفتد، چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهل نفر را سازماندهی نمی کنند؟ اگر می خواستند سازماندهی بکنند چهل نفر را بیشتر از چهل نفر می توانستند. چرا اینکار را نکردند؟ چون نقش عموم مردم چه می شود؟ وقتی وجه دینی این نقش عموم مردم درک شود، هم انگیزه ساز است، هم سلامت انتخابات را تضمین می کند. ان شاء الله بتوانیم مردم خودمان را با این نقش آشنا کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

مصاحبه با حجت الاسلام پناهیان

«انتخابات امر دینی یا غیر دینی؟»



www.majlis.ir